ف، هیرمند ۷ نومبر ۲۰۰۸

ابعاد قضیهٔ کامبخش

رسیدگی به جرایم دین ستیزانه در کشورهای که قسماً و یا کلاً امور جزائی شان توسط نظام حقوق جزای اسلامی هدایت می شود، بعضاً اتخاذ تصمیم پیرامون این قضایا را در بن بست و تنگنا قرار می دهد، این وضع اسباب گوناگون دارد: از یکطرف اکثر این کشورها ـ با حفظ بخشی از نظام جزای اسلامی ـ در قوانین شان به نوآوریهای ملهم از نظام جدید جزائی جهانی نیز اقدام کرده اند، که گاهی در بعضی از عرصه ها، این نظام جدید با اصول مروج جزائی آنکشورها تناسب و هماهنگی لازم را نمی رساند. از جانب دیگر استنباطات و تفا سیری دیروز و امروزه در جوامع اسلامی از اعمال مجرمانهٔ دین ستیز و واکنش قانونی در برابر آن نیز یک دست و همسان نبوده است: تمایل تقریباً مسلط در این کشورها حاکی از عروج انعطاف و نرمش پذیری در این عرصه می باشد، اما در عده ای دیگر این کشورها ثابت بودن قوانین جزائی و ثبات را میتوان مشاهده نمود، در حالیکه در دسته سوم ــ که با تمایلات اسلام سیاسی نزدیکتر اند ــ در فهرست جرایم دین ستیز افزایش به ملاحظه رسیده وعکس العمل های قانونی نیز در برابر آن شدت اختیار کرده اند، وقتی ما از فهرست این جرایم صحبت میکنیم با استنباطات و تفاسیر خشن و افراطی از فقهه (که باید در طول زمان و مطابق به اوضاع و احوال تحول پذیر باشد) می تواند تعداد زیادی از اعمال، در رابطه به امور دینی وصف جرمی بخود بگیرد، به خصوص آنکه اگر از قبل در متن قوانین مدون، این اعمال با تمام عناصرمادی، مصنوعی و قانونی آن مورد تعریف قرار نگرفته باشند و تعریف وتعین عمل جرمی نیز بر استنباطات و تفاسیر قاضی از فقهه گذاشته شده باشد، در چنین حالتی افراد جامعه به درستی نخواهند دانست که کدام عمل ایشان جرم خواهد بود، زیرا که همه افراد به سطح قاضی امور فقهی را نمی دانند، تا از جرمیت کردار ایشان مطلع باشند.

درجمهوری اسلامی ایران درسالهای اول انقلاب وقایع رخ داد که از نگاه پولیس مذهبی وسپاه پاسداران این رویدادها اعمال جرمی غیر دینی یا ضد دینی تشخیص شده و مورد تعقیب و مجازات قرار داده میشد، درحالیکه در فهرست جرایم شامل قانون جزایی آن کشور این اعمال بعنوان جرم معرفی و اعلام نگردیده بود، محاکم ایرانی در بن بست قرارگرفتند، که چگونه وصف جرمی را سراغ کنند و به استناد کدام یک از مواد قانون به تعیین جزا اقدام نمایند.

در این زمینه بالاخره مقامات ذیصلاح آن کشور صراحت قانون جزا را مرجح دانستند والبته پسان ها در فهرست جرایم قانونی به ایزاد جرایم دین ستیزی ــ با دقت وتامل زیاد اقدام کردند، تا جلو بی نظمی و تشتت در تشخیص و تعقیب جرایم را گرفته باشند .

در کشور ما افغانستان نیز در این عرصه مشکلی موجود است، که عمر دراز دارد، اما از اینکه در گذشته ها احکام دینی درهر زمینه ای جستجو نمی شد بناءً نظارت نقص آن نیز محسوس نبود، از زمانیکه استنباطات و تفاسیرسختگیرانه از مسایل دینی همه گیر شده است، ما به وقایعی برمیخوریم که با این استنباطات جرم اعلام میشوند، گرچه مادهٔ ۱ قانون جزای افغانستان (مصوبه سال ۱۳۵۵هه ش) صرف به توصیف و مجازات جرایم تعذیری پرداخته و جرایم حدود، قصاص و دیت را به تعبیر قاضی از فقهه واگذار شده است، اما تقریباً تمام جرایم به شمول تخلفات « بی حرمتی به مقدست ادیان» در آن پیش بینی شده و مجازات های نیز برای آنها در نظر گرفته شده

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید
maqalat@afghan-german.de

است، در گذشته ها این ماده بنا بر وضع سیاسی و اجتماعی (غیر از آنچه امروز است) مورد استفاده نبوده است، اما امروز تحولات سیاسی و اجتماعی و دینی، مندرجات این ماده را مورد استفادۀ روز قرار داده است، متکی به حکم همین ماده است، که اکثر جرایم دین ستیزانه مورد حکم قرار میگیرند، اما در حقیقت اصل حکم از احکام فقهی (به انتخاب، استنباط و تشخیص قاضی) استخراج میشود. چرا این مساله اهمیت دارد ؟ حقوق جزا برای آن چنین پاسخ دارد که« اصل قانونیت جرایم و مجازات ها (که مورد تائید مادۀ ۲۷ قانون اساسی ج .ا.ا و مادۀ (۲) قانون جزایی افغانستان نیز است) به دشواری تامین شده میتواند، این اصل از یک نظام حقوق جزائی می خواهد، که فهرست تمام اعمال مجرمانه را بشمول عناصر متشکلۀ آن (معنوی، مادی و قانونی) دریک متن مدون قانونی ترتیب کند و مجازات هر یک از این اعمال مجرانه را نیز در قانون جزاء تعیین و تجدید نماید، تا هرچه بیشتر، نقشی استنباط قاضی در توصیف جرم و تعیین جزاء منحصر به حکم قانون گردد، در حالیکه استناد صرف به مادۀ ـ۱ـ قانون جزاء و از آن طریق به احکام دیگر(که در قانون جزاء اصلاً ذکر نشده اند). از یک جانب گرد آوری قانونی عناصر مادی، معنوی و قانونی عمل مجرمانه را دشوار می سازد، از جانب دیگر اصل قانونیت جرایم و مجازات ها را نیز به مخاطره می اندازد، رعایت این اصل به اندازۀ اهمیت دارد که اگر حین تسوید و ترتیب متن قانون پیرامون آن دقت کافی به خاطر وضاحت و صراحت توصیف عمل جرمی و تعیین مجازات صورت نگرفته باشد، شکایت مظنون مبنی بر عدم وضاحت و صراحت حقوقی در قوانین جزائی کاملاً قابل سمع و رعایت میباشد.

مطالعه « اساس القضا » ی امیر عبدالرحمن خان می رساند، که امیر مذکور دقیقاً سعی داشته است اصل قانونیت جرایم و مجازات ها را در نظام جزائی افغانستان وارد بسازد و هرچه بیشتر از استنباطات شخصی قاضی از جرایم و مجازات ها بکاهد، به همین ترتیب مقررات جزائی دوران امانی، گام دیگری به پیش گذاشته و احکام فقهی را راساً وارد مقررات جزائی نمودند، تا مردم و مجریان قانون بدانند که بر اساس احکام فقهی، چه اعمالی جرم شناخته شده و مجازات لازمه و قانونی آن چه میباشد.

حال بر میگردیم به قضیۀ "پرویز کامبخش" که با نگون بختی تمام، شاید مرتکب یک عمل مجرمانه شده باشد، چون از جزئیات دقیق قضیۀ متهم ما همه به صورت دقیق آگاهی نداریم، بناءً صرف بنا بر همان اطلاعات رسانه ها اتکا می کنیم، که وی گویا کدام متن ضد دینی را از کدام سایت انترنیتی گرفته و بعد از چاپ به توزیع آن برای تعدادی از افراد پرداخته است، در این حالت منظور و ارادۀ عامل فعل باید معلوم گردد، تا مقصدش از اقدام به چنین فعلی چه بوده باشد، حتی اگر چنین فعلی آگاهانه نیز انجام یافته باشد، فعل شامل وصف جرمی « نشر و پخش اوراق غیر قانونی » می گردد، زیرا که متهم تهیه و ترتیب کنندۀ متن موصوف نمیباشد .

موضوع اخذ اعتراف با جبر توام با اجرای شکنجه بالای متهم کامبخش نه تنها تمام بیانات موصوف را که حین تحقیق بدست آمده است ـ از ارزش یک سند و مدرک اثباتی باطل می سازد، بلکه سوء نیت و غرض آلود بودن تطبیق اجراآت جزائی را بالای وی نیزبه مشاهده می رساند، در این حالت تمام سیراصول محاکمات جزائی زیر سوال خواهند رفت، مادۀ ۳۰ قانون اساسی افغانستان مشعر است «اظهار، اقرار و شهادتی که از متهم یا شخص دیگری به وسیلۀ اکراه بدست آورده شود، اعتبار ندارد. اقرار به جرم عبارت است از اعتراف متهم با رضایت کامل و در حالت صحت عقل در حضور محکمه با صلاحیت » .

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید
maqalat@afghan-german.de

گرچه اثبات جرم طبع و نشر اوراق خلاف امنیت عمومی و ملی (مواد ۲۴۷ و۲۴۸ ق جزا) بالای فعل کامبخش نیز مشکل است اما حتی اگر این جرم را بتوان به فعل او نسبت داده و به اثبات رسانید، حد خفیف مجازات حبس متوسط را که کمتر از یکسال و بیشتر از پنجسال نمی باشد بر او مستوجب دانست این حد خفیف نبایستی از یکنیم سال الی دو سال تجاوز کند (ماده ۲۲۳ ق جزا) چرا حد خفیف مجازات ؟ زیرا مکملات جرم مندرج ماده ۲۲۳ که در ماده ۲۲۱ تذکر یافته در فعل کامبخش به ملاحظه نمی رسد.

ابعاد ایدئولوژیک و سیاسی ماحول قضیه کامبخش را تیره و تار ساخته است، کامبخش نه به عنوان یک محصل رشتهٔ ژورنالیزم مورد تعقیب قرار گرفته بلکه در هیئت و پیکره موصوف گامی بسوی آزادی بیان (ولو در نوع نا آگاهانه و ناسنجیدهٔ آن) و آزادنگری (ولو به تعبیر نه چندان عقلائی آن مورد یورش آن گرایش گرایشهای قرار می گیرد که ار آزادی منضبط و آزادی بیان معقول سخت در حراس اند و با این یورش می خواهند قدرت و سلطه شان را بر ابزار های تامین عدالت به نمایش بگذارند، داد و فریاد های عده ای از اعضای مجلس مشرانو جرگه پیرامون این قضیه بیان صریح واکنش همین گرایش بود که بنا بر تناقض عریان آن با اصل تفکیک قوا بزودی پس گرفته شد.

سخت اندیشی و سخت گیری در مسایل قضائی و جزائی در صدر اسلام گرامی بمشاهده نمی رسد. عادلانگی رسیدگی ها وعقلانیت در تثبیت جرایم و مجازات ها از خصایل رسیدگی های آن می باشد. جزم گرائی و مطلقیت در آن جا ندارد، مطلق گرائی و قاطعیت مغرضانهٔ عده ای از سردمداران ایدئولوژیک و سیاسی موجود در کشور بخود شان منحصر است و نمیتوان آنرا پدیده آمده از اسلام نام گذاشت.

تحمل، شکیبائی ، پذیرفتن سلطه عقل بر تمام جریان های امور منجمله امور قضا، تخریش جدی خواهد بود بر استبداد مطلق گرای که بطور آرام و خون سرد بر تمام عرصه ها چیره است، حفظ این مطلقیت از آن جهت مهم است که در فقدان آن دست شهیدان بی گناه مردم دراز تر می شود و یخن جانیان متهم به کشتارهای دسته جمعی را می گیرد، در آن صورت عدالت انتقالی محل تطبیق خواهند یافت .

کاخ سفید نشینان رویای جالبی دارند، خیال میکنند، که نزد افغانها خیلی «عزیز» باشند و چرا که حتی از ابراز نظر پیرامون این موضوع نیز خود داری نکردند و به خاطر موصوف روی انداختند درحالیکه قضایای مانند قضیهٔ کامبخش می توانست و می تواند از جانب ارگان های طرفدار حقوق بشر و بشری مورد اعتراض قرار بگیرد و از حقوق انسانی او حمایت شود، اما قصر سفید در ابراز نظر خود خدا کند بی طرفی و استقلال قضائی مراجع ذیصلاح افغانستان را در این باره خدشه دار نکند.

در نتیجه کوتاه نگری و کج اندیشی قضیه در جریان اجراآت جزائی غیر منصفانه و غیر قانونی، بطورعریان قابل دید است، از طرف دیگر چوکات شدن مراجع قضائی ، بر اینکه در فیصله ها و احکام خویش توقعات و نیات گروه های مطلق گرا را بر آورده سازند و مخصوصاً قضیهٔ کامبخش را به نحوی فیصله کنند، که دل آنان شاد گردد، فشار و تسلط مطلق گراها بر ابزارهای عدالت گری در افغانستان، برای اجرای یک محاکمهٔ عادلانه، امید را به یاس مبدل خواهد کرد .

پایان

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید
maqalat@afghan-german.de